یک نامه تاریخی

جمال زاده، سید محمد علی

شادروان شیخ احمد روحی کرمانی از شهدای آزادی و عدالت از شهر طرابوزان به مادرش‏ که در کرمان بوده در 22 ماه رمضان 1312 هجری قمری نامه‏ای نوشته است و این نامه توسط جلال ازل از بازماندگان مرحوم شیخ احمد روحی که در همین سنوات اخیر در جزیره قبرس‏ وفات نمود باین حقیر سید محمد علی جمال زاده رسیده است(با نوشتجات دیگری که‏ انشاء الله توفیق بیابم روزی بچاپ برسانم)متن این نامه از این قرار است:

1313(یا 1312)

فی 22 شهریور رمضان عن طرابوزان الی کرمان

مادر مهربان من قربانت شوم‏ امید است مزاج بهاج آنمخدره قرین صحت

و سلامت باشد.دو مکتوب شما از کرمان بتوسط شیخ اخوی از اسلامبول این هفته رسید بسیار خرم شدم شرح حالم را بخواهید طولانی است مختصر اینکه چهار ماه است که گرفتار دو پادشاه‏ اسلامم بواسطهء خدمت بزرگ که در اتحاد ملل اسلامیه بآنان نموده‏ام با جمعی دیگر که از مردمان متدین عاقل چندی قبل یعنی دو سال قبل خوشکار روم‏2از جناب سید جمال‏ الدین افغانی که خیلی مقرب و دوستش بود خواهش نمود که هرگاه بتوانید ملل اسلامیه‏ را بیک اتحاد سیاسی دعوت نمائید که اگر سایر ملل عیسو به بر ضد ما بر خیزند هرچه مسلمان‏ (1)این نامه بعدها از طرف خانواده مرحوم شیخ احمد روحی به مرحوم جلال ازل از اولاد دختری شیخ احمد روحی(مقیم جزیره قبرس)رسیده بوده است و ایشان هم از قبرس‏ به ژنو برای این بنده سید محمد علی جمالزاده فرستاد.یکی از دخترهای شادروان صبح‏ ازل عیال شیخ احمد روحی بوده است.

(2)مقصود سلطان عثمانی است.(ج.ر)مرحوم صبح ازل دو دختر خود را یکی را بزنی‏ به میرزا آقاخان کرمانی و دیگری را به شیخ احمد روحی کرمانی داد و شادروان جلال ازل‏ که ساکن قبرس بود و به ایران هم مسافرت کرده بود از اولاد و نوادهء شیخ احمد روحی‏ دختر صبح ازل و مرد ایران دوست و فاضلی بود خداوند او را بیامرزد.

روی زمین است باهم متحد باشند در اینکه یکدیگر را معاونت نمایند و ما با جمعی مردمان‏ دانا و آگاه نوشتجات بسیار اول بعلمای بغداد نوشتیم و آنان هم در نهایت امتنان قبول‏ نمودند و عرایض در این باب بسلطان عثمانی نوشته از طرف سلطان هم بدیشان نشانها و هدیه‏ها و اکرامها شد.این کار مایه اعتبار و اشتهار ما در دولت عثمانی شد و بنا بود بما احسانها و اکرامها نمایند خبر این اتحاد بسلطان ایران رسید.

از جهالتش و حال اینکه این معنی تمام بخیر و خوبی او بود بدون هیچ نوع ضرری خیال‏ نمود مبادا علمای ایران بسلطان عثمانی روی آورده فردا بر ضد من برخیزند بسفیرش‏ باسلامبول نوشت و تلگراف نمود که بهر قسم ممکن است اینها را نفی مشغول مسئلهء ارامنه‏ بو بما می‏رفته اظهار داشته بود که سه چهار نفر از اهالی ایران که مفسد و دشمن دولت‏ و ملت هستند در اینجایند شما آنانرا تسلیم ما نموده ما هم در عرض ارامنه را که بخاک‏ ایران رفته‏اند به شما تسلیم می‏نمائیم سلطان هم نشناخته ما را تسلیم کرد یعنی بنده و سرکار خان‏1و جناب حاجی میرزا حسن خان جنرال قونسل سابق اسلامبول را روانه‏ طرابزون که از اینجا بایران ببرند نمودند روز بعد از حرکت ما معلوم میشود که ما که بوده‏ و مصدر چه خدمت شده‏ایم امر تلگرافی قبل از ورود ما باینجا بتوقف،در طرابزون صادر شد که بعد ما را باسلامبول عودت دهند و کنون سه ماه است در نهایت احترام از ما نگاهداری نموده و چهار نوکر بخدمات ما گماشته و در هتل بسیار اعلائی منزل داده‏اند تا اینکه چند روزی گذشته ما را باز باسلامبول دعوت بدهند ابول جاهل چون نمی‏خواست‏ نان کاسبی مانند آدم بخورد چرخ خیاطی را که بده تومان خریده بود و روزی دو قران‏ صرف میکرد و همه مخارجش را هم من میدادم چرخ را بدو تومان فروخته مبلغ سی‏وپنجتومان‏ هم از شیخ گرفته از راه مشهد روانه کرمان شد لابد تا حال رسیده است بسیار مرد جاهلی‏ است مراتب را میداند اهل خانه شش ماه متمادی است نزد پدر و مادرشان هستند دو جاریه زاده سلامت هستند احوال خودم هم بد نیست هوای اینجا مانند خبیص کرمان‏ است برای زمستان مناسب ظاهرا" تا عید رمضان باسلامبول حرکت مینمائیم‏2

(1)مقصود میرزا آقاخان کرمانی است.(ج.ز)

(2)امضاء یک حرکت قلم است بصورت ع و درست معلوم نشد که چه امضائی است ولی‏ از معنای نامه میتوان یقین داشت که نامه مرحوم شیخ احمد روحی است به مادرش که‏ بعدها نسخهء خطی‏"سرگذشت حاجی بابایی اصفهانی‏"هم در خانه آنها در کرمان‏ بدست آمد(ج.ز)